

خوش است نام تو بردن ولی دریغ بود

درین سخن که بخواهند برد دست به دست

تقدیر شد.

اجرای موسیقی توسط حسام‌الدین سراج و گروه موسیقی سنتی براساس اشعار سعدی، از دیگر برنامه‌های روز اول این مراسم بود. در روز دوم، سه نشست طی ده سخنرانی از ساعت ۹ صبح تا ۱۷:۳۰ برگزار شد.

ابتدا دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی سخنانی با موضوع «چند نکته درباره غزل سعدی» ایراد نمود. پس از آن دکتر محمود روح‌الامینی با اشاره به بحث توانگری و تهیدستی در حکایات و تمثیلهای اخلاقی از جمله در گلستان اظهار داشت: سعدی در گلستان چندین بار درباره توانگر و تهیدست صحبت می‌کند، اما جان کلام او، جدال سعدی با مدعی است که در تمام ادبیات فارسی این مناظره منحصر به فرد است.

دکتر ضیاء موحد با اشاره به شعار نادرستی که در نقد ادبی درباره شعر ساده صورت گرفته است، گفت: در نقد ادبی گمان می‌شود که اگر شعری ساده بود و ظاهراً ابهامی نداشت، نمی‌توان چندان روی آن بحث کرد. در مورد سعدی نیز چنین گفته‌اند، یعنی پنداشته‌اند چون شعر سعدی ساده است، بنابراین تأویل پذیر نیست و بحثی نباید روی آن صورت داد. درحالی که اگر کسی به مسئله هرمنوتیک کاملاً اشراف داشته باشد، درمی‌یابد که حتی سخن گفتن روزمره ما نیز قابل تأویل است، چه رسد به شعر سعدی. بنابراین مسئله تأویل آنطور که مطرح کرده‌اند، نه صحیح است و نه در مورد سعدی صدق می‌کند.

وی در باب نقش سعدی در ادبیات پارسی اذعان داشت: شعر روان در ادبیات ماهمان نقشی را دارد که آب در طبیعت. وجه شبه آن بسیار روشن است. پر رمز و رازترین عنصر هستی و در عین حال ساده‌ترین آن، آب است. شعر سعدی نیز از میان سنگلاخهای وزن و قافیه به آسانی بیرون می‌آید و خود را نجات می‌دهد.

دکتر موحد درباره تفاوت زبان سعدی و مولانا اشاره کرد: همان زمانی که سعدی در شیراز زبان فارسی را می‌پروراند، در گوشه دیگری از این سرزمین، مولانا می‌زیست، که او نیز استاد سخن است و زبان رسمی فارسی را دارد، ولی او در شعرش گوش کلمات را می‌کشد، حال آنکه سعدی همان کلمات را در شعر می‌آورد، اما نوازش می‌کند.

دکتر اصغر دادبه، با توجه به سه اصل پیش‌داوریه از قول فرانسیس بیکن، اصل خودباختگی و اصل افراط و تفریط به بحث درباره سعدی پرداخت و در باب تناقض‌گوییهای سعدی در مسئله جبر و اختیار گفت: در باب مسئله جبر و اختیار بارها به سعدی ناخفته‌اند که گاه طرف اختیار را می‌گیرد و گاه طرف جبر را. باید اشاره کرد که تمام شاعران در این مورد به همین صورت عمل کرده‌اند و این امر، مختص سعدی نیست. علاوه بر این هیچ مسئله‌ای در علم و فلسفه وجود ندارد که به نوعی برآمده از زندگی نباشد و اگر هم نباشد، قطعاً نابود می‌شود. بنابراین ممکن است یکبار این مسائل را از منظر نظری محض مورد بحث قرار دهیم و یکبار از منظر اینکه خاستگاه آن زندگی است و این مسئله با مسائل سیاسی و اجتماعی پیوند خورده است.

وی افزود: دلیل به وجود آمدن نظریه جبر و اختیار نیز نیاز بشر

به مناسبت فرا رسیدن اول اردیبهشت، بزرگداشت روز سعدی، مراسمی در تالار حافظ در روزهای ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت، با حضور جمعی از سعدی‌پژوهان، ادیبان، استادان و اندیشمندان ادب پارسی برگزار شد.

در این مراسم که با تلاوت آیاتی از قرآن کریم گشایش یافت، ابتدا کوروش کمالی، مدیر مرکز سعدی‌شناسی، ضمن خیر مقدم به مدعوین و حضار، درباره اهداف و برنامه‌های این مرکز، نیز جایگاه سعدی در میان پارسی‌زبانان توضیحاتی ارائه کرد. وی همچنین اشاره کرد که مراسم نکوداشت سعدی همزمان در هاوانا، الجزیره و مسکو برگزار می‌شود.

کمالی ضمن بیان تأثیر سخن نغز سعدی در میان سایر اقوام، عدم ترجمه آثار سعدی را یکی از دلایل مهجور ماندن وی در جهان دانست. پس از آن نصرالله مردانی، شاعر معاصر کشورمان، شعری با عنوان «ستاره خاک» در گرامیداشت سعدی سرود.

آنگاه احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در باب اهمیت نکوداشت شیخ اجل اظهار داشت: سعدی صرفاً ادیبی نام‌آور نیست که برقله میراث ادبی ایران زمین نشسته است. سعدی، بخشی از حیات جاری ملت ماست. در تاریخ و فرهنگ ملتها، دشواری می‌توان هنرمندی را یافت که تا این پایه و مایه در جای‌جای حیات یک ملت حضور مداوم داشته باشد و آن ملت در تجربه اندوزی و عبرت‌آموزی از رخدادهای روزگار، به آموزه‌های او، مکرر عنایت کند و اهتمام داشته باشد.

وی افزود: رسیدن به این درجه از قبول عام، نیازمند پشتوانه‌های قوی و مؤلفه‌های استوار هنری و فرهنگی است که خود با نیازهای اساسی جان بشر آمیخته است.

ایشان راز ماندگاری سعدی و عالمگیر شدن او را در ارج و ارزشی دانست که او به انسان می‌نهد و اظهار داشت: سعدی این ارج و ارزش را در سراسر آثارش، حتی در قصایدی که به ظاهر در مدح فرمانروایان روزگار گفته است، فریاد می‌زند. در نزد سعدی، رسیدن به خدا و گزاردن حق او نیز از گذرگاه خدمت به خلق می‌گذرد. انسان مورد نظر سعدی که از میان آثار او چهره می‌نمایاند، یکسره لاهوتی نیست، تا تماماً تجریدی و انتزاعی باشد، نیز جمله ناسوتی نیست تا با عالم روح و معنا بیگانه باشد، آمیزه‌ای است از هر دو، همین آدمیزاده‌ای است که در زمین می‌زید و رفتارهای گوناگون دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان گفت: در این روزگار، ما همچنان به سعدی و شناخت آموزه‌های مکرری و ادبی او نیازمندیم. از سعدی نه تنها شیوه سخن گفتن، که شیوه زندگی کردن را باید آموخت. از این رو بزرگداشت شیخ اجل و برگزاری روز سعدی را نباید رخدادی صرفاً ادبی تلقی کرد، بلکه این نامگذاری و مراسمی از این دست را باید دستمایه عنایتی نوبه زندگی قرار داد، زندگی سرشار از شور و معنا و انسان دوستی و خداگرایی.

پس از سخنرانی آقای مسجدجامعی، کتاب فرهنگ سعدی پژوهی نوشته دکتر کاووس حسینی به عنوان کتاب سال «سعدی» معرفی و



دکتر سعید حمیدیان با مقایسه اجمالی سعدی و سیف فرغانی گفت: سعدی و سیف دارای نقاط مشترکی بودند، از آن جمله: هر دو همزمان بودند، با هم دوست بودند و مراودات شعری داشتند، هر دو از آبخوهرهای ارجمند فرهنگ ایرانی-اسلامی تغذیه کرده‌اند، هر دو غزل‌سرا بودند، یعنی در کنار قالبهای دیگر، غزل هم می‌گفتند و هر دو در زمینه غزل، از راه مجاز، دری به عالم عرفان گشودند. اما هر چقدر سعدی در عشق بی باک و محو و مستهلک در معشوق است، سیف در این زمینه به شدت محافظه کار است.

دکتر میر جلال‌الدین کزازی، دیگر سخنران این مراسم درباره زیبایی‌شناسی و افسون سخن سعدی گفت: آنچه که ما زیبایی‌شناسی سخن می‌خوانیم، از دید من در دامنه‌ای می‌گذرد که یک سوی آن آرایه است و سوی دیگر، «آن» است که خواجه در چند بیت خود به آن اشاره کرده است.

وی ادامه داد: هر زیباپند و زیباپرستی این زیبایی نغز، ناب، رازآلود و فسونگار را در درون خود می‌آزماید و می‌شناسد و با آن پیوند می‌گیرد، اما اگر از او راز این زیبایی را بپرسید، در نمی‌یابد. «آن» آن گونه از زیبایی است که ما نمی‌توانیم دانشوران، سخن سنجانه و ادب شناسانه راز آن را بکاویم، هر چه ما از آرایه می‌گسیم به «آن» می‌پیونديم. قلمرو آفرینش هنری در سعدی، نیز قلمروی است که بیشتر به آن سوی «آن» بازمی‌گردد. به سخن دیگر، زیبایی او در شعر، زیبایی سرشتی و گوهرین است، نه آن زیبایی برساخته برون. هنر در سرشت و ساختار خویش زاده دل است و هر چه سخن از زیورها گسسته باشد و به آن زیبایی درونی که آماجگاه آن دل است، نه سر، آراسته شده باشد، شورانگیزتر و هنری‌تر است. سعدی بزرگ‌ترین هنرمند و سخنور ایران است، در آن شعری که آن سوی «آن» می‌گذرد.

آخرین سخنران این نشست دکتر نعمت‌الله ایرانزاده بود که درباره سبک‌شناسی سعدی سخن گفت: وی با اشاره به این مطلب که برای شناخت سبک فردی یک شاعر لازم است به دستگاههای اولیه، واژگان نحوی و بلاغی او توجه شود و در باب ویژگیهای نحوی آثار سعدی که براساس غزلیات مورد اقبال او از آغاز تا امروز به دست آمده، اظهار داشت: در غزلیات سعدی یک نوع دستورمندی دیده می‌شود و از انواع جمله، بیشتر از جملات فعلیه استفاده کرده است. سعدی زوجهای مجاور فعلی را در اشعارش بسیار به کار می‌برد، یعنی فعلی در کنار فعل دیگر قرار می‌گیرد و به نحوی با آن ارتباط می‌یابد. او تمایل دارد که صیغه‌های مختلف یک فعل را حداقل در یک بیت هم‌نشین کند و بسامد فعلهای گفتن و رفتن و دیدن بسیار بالاست.

در پایان هر نشست جلسه پرسش و پاسخ درباره سخنرانیهای ارائه شده برگزار شد.

پایان بخش مراسم بزرگداشت روز سعدی قصیده‌ای بود که آقای ادیب پرومند قرائت نمود.

این مراسم که قرار بود در جوار آرامگاه سعدی برگزار شود به علت بارندگی در تالار حافظ اجرا شد. همچنین در نخستین ساعات بامداد اول اردیبهشت ماه، آرامگاه سعدی با ترنمهای حسام‌الدین سراج حال و هوایی عرفانی یافت که با اقبال مدعویین روبه‌رو شد.

است. در یک وضعی از اوضاع ممکن است فرد، تن به جبر بدهد و در موقعیتی دیگر خود را دارای اختیار بداند.

در ادامه دکتر ابراهیم قیصری در باب برخی نارساییها در آثار سعدی اظهار داشت: اینکه سعدی را الفصح المتکلمین و پادشاه سخن می‌گویند، قولی است که جملگی بر آنند. اما در میان هزاران تشبیه و تعبیر شاعرانه و گفته‌های عالمانه و عارفانه حضرت شیخ، گاه به برخی ابیات و جملاتی برمی‌خوریم که در مقایسه با دیگر سخنان خود او فرودست می‌نماید و آن درخشندگی لفظ و معنا را که انتظار داریم، ندارد و یا کمتر دارد. وی گفت: بدیهی است باید پذیرفت بجز کلام پروردگار، پیامبران و اولیاء الهی، هیچ گفته‌ای از کمال برخوردار نیست. پس، از این بابت نمی‌توان بر سعدی خرده گرفت و حتی طرح این مسئله هم از مقام این شاعر نمی‌کاهد.

دکتر علی رواقی ضمن ارائه مطلبی با عنوان «چند واژه سعدی» در باب تفاوت زبان سعدی و مولانا اظهار داشت: زبان مولانا و سعدی دو زبان مختلف است. مولانا زبان گفتاری حوزه‌های بلخ، آسیای صغیر و ماوراء النهر را با زبان نوشتاری درهم آمیخته است. بنابراین واژگانی در اشعار او به چشم می‌خورد که مربوط به حوزه‌های زبانی اوست. اما سعدی از این واژگان در آثارش بهره نگرفته و در حقیقت زبان او دنباله طبیعی زبان پهلوی است. وی همچنین گفت: سعدی بدون اینکه خود، آگاه باشد، پایه‌گذار یک زبان معیاری شده است که بعدها دیگران از آن بهره گرفته‌اند.

دکتر رواقی مطالبی را نیز درباره تفاوت اصلی زبان حافظ و سعدی بیان نمود.

«شگردهای هنری سعدی» عنوان مطلبی بود که دکتر کاووس حسینی در این مراسم ایراد نمود. وی گفت: یکی از دلایل سادگی شعر سعدی، درنگ بایسته در فرهنگ مردم و همزیستی اجتماعی سعدی است. سعدی مایه‌های اصلی شعر خود را از فرهنگ مردم گرفته است، از این رو غزل او در سنجش با غزلهای عارفانه در عنصر تمثیل تندتر است.

وی در باب زیباییهای هنری شعر سعدی تصریح کرد: هر چند که گاه اشعار او از آرایه‌های مرسوم ادبی تهی است، اما هنری محض است. دقت سعدی در آشنایی زدایی و کارکردهای زبانی برای ایجاد رستخیز سخن قابل توجه است. گاهی شگرد آشنایی زدایی بر دوش ابهام شاعرانه گذاشته می‌شود و گاه ابتدا خواننده را به سمتی می‌کشاند، اما در میانه راه، مسیر ذهنی او را تغییر می‌دهد و بدین ترتیب سخن را هنری‌تر می‌کند.